

بومی سازی علوم تربیتی در ایران؛ ضرورتها و چالشها

ابراهیم خسروی¹
اکبر صالحی²
علیرضا محمودنیا³
محسن ایمانی نائینی⁴

چکیده

هدف: محققان در این مقاله به بررسی ضرورتها و چالشهای بومی سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران پرداخته و نحله های مختلف آن را در حوزه علوم تربیتی بررسی کرده است. **روش:** در پژوهش حاضر از روشهای تحلیل مفهومی و قیاس نظری استفاده شده است. **یافته ها:** در این رویکرد با تفکیک مفاهیم مختلف در گفتمان علوم تربیتی بومی، چهار مورد از مهم ترین ضرورتهای بومی سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران، شناسایی و مهم ترین چالشهای آن استخراج شد که عبارتند از: 1) تقابل فرهنگ اسلامی ایرانی با فرهنگ غربی، 2) فقدان دانش اسلامی پایه در اساتید علوم تربیتی، 3) نبود برنامه های درسی بومی برای علوم تربیتی، 4) عدم حمایت برخی روشنفکران ایرانی از بومی سازی علوم تربیتی و 5) حجم زیاد ترجمه ها به جای اقتباس در علوم تربیتی بومی. **نتیجه گیری:** نقد و بررسی ضرورتها و تحلیل جامعی از چالشهای بومی سازی علوم تربیتی نشان داد با دوری از هر گونه افراط و تفریط در دانش بومی و دانش جهانی می توان در مواجهه با فرصتها و چالشهای پیش رو، تصمیمات بهتر و مؤثرتری اتخاذ کرد و گامی در مسیر بومی سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران برداشت.

واژگان کلیدی: بومی سازی، علوم تربیتی، ضرورتها، چالشها.

مستخرج از رساله دکتری ابراهیم خسروی در دانشگاه خوارزمی تهران.
دریافت مقاله: 98/07/10، تصویب نهایی: 98/12/12.

1. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران.
2. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران خیابان شهید مفتاح، شماره 43 / نمابر: 02188830228 / Email: salehihidji@yahoo.com
3. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران.
4. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

الف) مقدمه

نقش بی‌بدیل علوم انسانی در حیات اجتماعی و تحولات گسترده و پرشتاب آن بر کسی پوشیده نیست. علوم تربیتی نیز به عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی، نقش زیربنایی در نظام تعلیم و تربیت، اقتصاد و فرهنگ دارد. با توجه به چنین وظیفه‌ای، یکی از راهبردهای اصلی هر نظام آموزشی، پایه‌گذاری یا بازتولید یک نظام فکری در حوزه علوم انسانی، به ویژه علوم تربیتی است تا با الهام از آرمانهای بومی، ملی و ارزشی و نیز جهان‌بینی حاکم بر جامعه، دست‌اندرکاران نظام تربیتی، به ویژه نظریه‌پردازان حوزه علوم تربیتی را در جهت تحقق اهداف تربیتی رهنمون سازد. یکی از معضلات اساسی جامعه امروز ما، غفلت از علوم انسانی و به ویژه علوم تربیتی است که ساختار نظام آموزشی و پژوهشی و برنامه‌ریزی کشور را تحت تأثیر قرار داده و به بحران تبدیل شده است. «بنا بر این، موقع آن است که مسلمانان از نظام قدیمی و کهنه آموزش و نیز از نظام جدید جهت‌گیری سکولار رهایی یابند و یک نظام جداگانه آموزشی برای خودشان بنا کنند، که سرشت آنها تا آنجا که ممکن است جدید باشد» (نوذری، 1391: 140)

علوم انسانی بومی¹ از جمله مباحثی است که اخیراً در کشور ما جان تازه‌ای گرفته و موجب درگیری بحثهای متعدد و متنوعی بین مخالفان و موافقان آن شده است؛ لذا جامعه فکری ما نیازمند مباحثه و گفتگوست و نبود آن در برهه‌هایی از تاریخ معاصر به چشم می‌خورد (ستايش، 1392: 4)؛ زیرا «توسعه علمی و فرهنگی جامعه، نیازمند حرکت نهادها در مسیر توسعه فرهنگ ملی و بومی است. چنین نهادهایی، کانون اصلی اندیشه‌ورزی و تشخیص‌دهنده و تعیین‌کننده مقتضیات ملی، منطقه‌ای، جهانی و تدوین‌کننده راهبردهای علمی و فرهنگی در جامعه است» (اخوی‌راد، 1388: 25)

علوم انسانی از یک سو بستر و زیرساخت توسعه همه‌جانبه و متوازن در دنیای کنونی محسوب می‌شود و از سوی دیگر، علوم تربیتی نیز موقعیت خاصی را در بین تمام رشته‌های علوم انسانی دارد؛ لذا بررسی علوم انسانی از دیدگاههای مختلف و تحلیل آن می‌تواند زمینه را برای هدایت علوم به سوی ایفای نقش به عنوان عامل تعالی‌بخش فراهم کند و نتایج ارزشمندی را به ارمغان بیاورد (فرزانه‌پور، 1387: 3)؛ زیرا از طریق بهبود علوم تربیتی، مسائل و تنگناهای نظام آموزش و پرورش کشور روشن می‌شود و راه حل آنها به دست می‌آید. علوم تربیتی نیز در وهله اول دارای فایده عملی است و مانند همه علوم دیگر در هم‌آوایی کنونی پژوهش، نقش مستقیمی را ایفا می‌کند. «واژه تربیت با توجه به ریشه آن، به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو، به معنی تغذیه طفل به کار می‌رود. اما علاوه بر این، تربیت به معنی تهذیب نیز استعمال شده که به معنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است» (باقری، 1374: 37). همچنین علوم تربیتی وظیفه تربیت افراد صاحب نظر در مسائل تعلیم و تربیت را بر عهده دارد و چنین وظیفه خطیری در

1. Indigenous

291 ابراهیم خسروی و همکاران

جهان امروز، جزء مسائل سرنوشت‌ساز به شمار می‌رود؛ زیرا شکوفایی استعدادها و ارزشهای والای انسانی مبتنی بر تعلیم و تربیت صحیح است. (شکوهی، 1383: 46)

ضرورت بهبود و همسان‌سازی علوم تربیتی به عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی، رد پای مسئله بومی‌سازی را به میان می‌آورد؛ موضوعی که موافقان و مدافعان خاص خود را دارد. مخالفان بومی‌سازی علوم انسانی معتقدند علم، علم است؛ بنابر این، بومی و غیر بومی یا اسلامی و غیر اسلامی منطقی ندارد (مرندی، بی‌تا). بعضی دیگر نیز علاقه‌ای به بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی ندارند و آن را مغایر با جهانی‌سازی و عدم ارتباط با جهان خارج قلمداد می‌کنند. در مقابل، برخی معتقدند «بومی‌سازی علوم انسانی به معنای پایان گفت و گو با جهانیان و عدم استفاده از دانش جهانی نیست» (نقیب‌زاده و خرمشاد، 1395). عده‌ای هم بر این باورند که «می‌توان تعلیم و تربیت را فقط تدارکی برای فرهنگی معین یا آماده کردن برای زندگی خاص دانست و تربیت کردن، تنها توسل به تولید فوری یا توجه به قبول ارزشهای فرهنگ حاضر نیست» (شاتو، 2005: 6). اکنون در جامعه علاوه بر نگاه جهانی، نگاه بومی نیز به عنوان یک ضرورت، قابل طرح و بررسی است و در این فرایند، «علم بومی گستره معنایی وسیعی دارد. معنای حداقلی آن؛ یعنی علمی که به موضوعات بومی می‌پردازد» (علی‌اصغری صدیقی و امیری، 1391: 111)

بنابر این، توجه به بومی‌سازی برنامه‌دستی علوم تربیتی در ایران از مهم‌ترین مسائل روز در جامعه ایرانی محسوب می‌شود؛ زیرا از طریق تربیت می‌توان بنیانهایی در جامعه ایجاد کرد که به فرهنگ ملی و بومی و به ویژه تحقق فرهنگ اسلامی جامعه دامن بزنند. «خستین مانع در این راستا، غلبه تقلیدگرایی بر فرهنگ ملی و بومی است. این نگاه باعث شده است برخی بدون توجه به اقتضائات علوم انسانی غربی، اقدام به رواج آن در کشور نمایند» (پوریانی، 1391: 7). چنین طرز تفکری، برنامه‌دستی علوم تربیتی در ایران را برای تحقق فرهنگ ملی، بومی و اسلامی، با چالش جدیدی روبه‌رو می‌سازد و از این نظر، فقدان برنامه‌دستی ملی و بومی برای علوم تربیتی، یک چالش اصلی در جامعه ایرانی محسوب می‌شود.

رشته علوم تربیتی یکی از رشته‌های علوم انسانی است که همچنان محتوای آن در اغلب کشورها حاصل ترجمه و اقتباس از منابع غربی است. بسیاری از موافقان بومی‌سازی علم، بر این باورند که موضوع بومی‌سازی علم و به تبع آنها برنامه‌دستی باید متناسب با ارزشهای ملی و بومی و میهنی باشد. لذا این ضرورت در حوزه بومی‌سازی برنامه‌دستی علوم تربیتی در ایران هم احساس می‌شود. بنابر این، مقاله پیش رو ضمن بررسی ضرورت پرداختن به موضوع بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران، در صدد تحلیل چالشها و محدودیتهای این مسئله در ایران است و در پایان نیز پیشنهادهایی در خصوص بهبود مسئله بومی‌سازی برنامه‌دستی علوم تربیتی در ایران ارائه دهد.

ب) روش پژوهش

روش، مفهومی راهبردی است که نحوه عمل را ترسیم می‌کند و مراحل و چگونگی بيمودن آنها را برای رسیدن به هدفهای مد نظر معلوم می‌دارد. به عبارتی دیگر و در معنایی کلی‌تر؛ روش، هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است که بایستی خردمندان پی‌جویی شود. «هدف از پی‌جویی معرفت، عنصری اساسی در هر چهارچوب روش‌شناختی بوده و بر روشها و قواعد حاکم بر آنها تأثیرگذار است» (لطیفی و همکاران، 1393: 165) و بر این اساس و با توجه به تعاریف متعددی که از تحقیق به عمل آمده، «تحقیق صرف نظر از نوع آن، فرایندی است برنامه‌ریزی شده، هوشیارانه، نظام‌مند و قابل اعتماد برای یافتن حقایق یا فهم عمیق مسائل» (ابراهیم‌زاده و همکاران، 1385: 6)

مباحث مربوط به چگونگی انجام پژوهش، در واقع باید و نیایدها و تحلیلهای انتقادی روشهای پژوهش و منظور، منطقی تحقیق و چگونگی کسب و توجیه معرفت جدید است. در این پژوهش برای شناسایی و تحلیل ضرورتها و چالشهای بومی‌سازی، از روشهای تحلیل مفهومی و قیاس نظری استفاده می‌شود. منظور از تحلیل مفهومی، روش واحد و مشخصی نیست، بلکه در طیف گسترده‌ای، با مشخصه‌های متفاوتی مد نظر قرار می‌گیرد و نسبت میان شیوه‌های مختلف تحلیل، از نوع مشابهت خانوادگی است. در یکی از دسته‌بندی‌ها، روشهای تحلیل به سه دسته تقسیم شده‌اند: تحلیل به معنای تجزیه به اجزای مفهومی، تحلیل به معنای ترجمه و بازگردان صورت دستوری گزاره‌های زبانی به صورت منطقی آنها و سوم، تحلیل به معنای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی (باقری، 1389: 133). بنابر این، محقق برای شناسایی و تحلیل ضرورتها و چالشهای مد نظر، بایستی این مفاهیم را به صورت روشن و قابل تحلیل از پیچیدگی خارج کند تا بتواند زمینه ارتباط میان مفاهیم اصلی تحقیق و قضایای تربیتی را به صورت عملی، شفاف‌سازی و تحلیل کند.

قسمت دوم پژوهش با استفاده از روش قیاس نظری، به موانع و چالش بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران می‌پردازد. قیاس در لغت به معنای سنجش، اندازه‌گیری و تخمین است. استدلال قیاسی، نتیجه‌گیری با دلایل کافی از جزء به کل یا رسیدن مدلل از قوانین کلی و عمومی به موارد جزئی و خاص را گویند. «روش قیاسی، هم به صورت نظری و هم به صورت عملی در فلسفه تعلیم و تربیت قابل استفاده است و به ویژه شکل عملی آن، با توجه به ویژگی معطوف به فلسفه تعلیم و تربیت، بیشتر مورد استفاده خواهد بود» (همان: 128). شاید قیاس، اولین حرکت قابل ملاحظه در پیدایش سیستم منظم و سیستماتیک برای کشف واقعیت باشد که از کنار هم گذاشتن واقعیات پذیرفته شده و استنتاج یک نتیجه از آن، حاصل می‌شود. از این رو، محقق پس از تبیین ضرورت بومی‌سازی، در مرحله دوم، موانع و چالشهای بومی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی را در ایران، از طریق قیاس نظری تحلیل خواهد کرد.

ج) پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشها در خصوص موضوع بومی سازی علوم تربیتی در ایران، نشان می دهد هنوز به طور مشخص تحقیقی در این حوزه انجام نشده است؛ اما برخی پژوهشها به نوعی با موضوع این پژوهش در ارتباط بودند که مرور اجمالی از آنها به عمل آمده است.

ساداتی نژاد (1392) با مقاله‌ای در رابطه با بومی سازی علوم انسانی و ضرورت بازبینی در انسان‌شناسی، بحث بومی سازی علوم انسانی را بررسی کرده و معتقد است علوم انسانی موجود که غالباً محتوای آن در برخی از رشته‌ها تقلید شده از سنت دانشگاهی غرب است، بر پایه‌هایی از انسان‌شناسی استوار شده است که با عنوان اومانیزم شناخته می‌شود و با تحولات به وجود آمده در غرب بعد از رنسانس سازگار است و با ساختارهای جامعه دینی ما همخوانی ندارد؛ زیرا بر اساس اندیشه اومانستی¹، انسان موجودی است که تعریف آن از لحاظ زیستی بیشتر با اندیشه داروین² و از لحاظ سیاسی و اجتماعی با اندیشه‌های هابز و از لحاظ اقتصادی با اندیشه‌های لیبرالیستی و مارکسیستی سازگار خواهد بود.

مصباح یزدی (نقل از: قریشی نسب، 1391) در پژوهش خود آورده است: «منظور از بومی سازی و اسلامی کردن علوم، صرف تعویض اصطلاحات نیست، بلکه تغییر جهان‌بینی‌ها و استفاده از منبع وحی در تولید علم است؛ زیرا ما در اسلام چیزهایی به برکت وحی داریم که در خارج از فرمول مطالعات میدان و آزمون و خطا و روشهای علمی است. ما موظفیم به عنوان مدافعین اسلامی و کسانی که وارث میراث علمی اسلام هستیم، این را کشف کنیم، استخراج کنیم».

پوریانی (1391) گسترش روحیه نوگرایی در جامعه را عاملی مؤثر در راستای رفع موانع بومی سازی می‌داند و معتقد است آزاداندیشی و شجاعت علمی، در کنار تعهد به ارزشهای اسلامی و آرمانی و اقدام به برنامه‌ریزی در سطح کلان در آموزش و پرورش، از جمله لوازم تحقق بخشیدن به هدف پیش گفته است و حل موانع و مشکلات فراروی بومی سازی علوم انسانی نیازمند عزمی ملی و فراگیر است.

باقری (1386) در همایش سالانه انجمن جامعه‌شناسی ایران، استخراج ظرفیتهای ناشناخته یک فرهنگ و خلاقیت و نوآوری از نوع بنیادی یا کلان را از مهم‌ترین قابلیت‌های علم بومی معرفی کرده، درباره تنگناها به مسائلی از قبیل برآمیختن علم و غیر علم، عدم حفظ تمایز میان عناصر علم بومی از حیث قابلیت بسط یافتن در قالب علم تجربی و نبود عینیت و تعمیم‌پذیری در یافته‌های آن اشاره می‌کند و می‌گوید: برای غلبه بر این تنگناها اولاً، باید عناصر فرهنگ بومی را از حیث قابلیت‌های آن بررسی کرد و در صورت لزوم، به

1. Humanistic
2. Darwin

294 ♦ بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران؛ ضرورتها و چالشها

بازسازی آنها برای حضور و بالیدن در عرصه علم تجربی پرداخت و ثانیاً، مفهوم عینیت را به معنای درست، تام و تمام و یک بار برای همیشه، مورد تجدید نظر قرار داد و به جای آن از عینیت به معنای داشتن بهره‌ای از درستی سخن به میان آورد.

استانلی هافمن¹ (2002) در پژوهشی با عنوان «مهار جهانی شدن، چالش پیش روی نهضت بومی‌سازی» می‌گوید: شگفت نیست که حلقه‌های رسمی علمی در غرب با حمله بومی‌گرایان به خودشیفتگی و غرور فکری پژوهشگران اروپایی و آمریکایی هم‌دل نبوده‌اند. برای نمونه برخی مخالفان، مرام بومی‌گرایان را جدلی، خودپرستانه، ذات انگارانه، جزمی، ارتجاعی و ضد مدرن، بیگانه‌پرست و خردنگر خوانده‌اند. بومی‌سازی، برنامه‌ای اصیل و البته پر چالش است که به دست هواخواهان تمدنهای دیروز آغاز شده و به نیت چیرگی بر سکون و انفعال کنونی در برابر فشار و اجبار بی‌وقفه مدرنیته ادامه یافته است.

جای سینها² (2000) در مقاله «به سوی بومی‌سازی روان‌شناسی در هند» می‌گوید: با توجه به اهمیت اصلاح نظام آموزش و پرورش برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای چالشهای جهانی شدن و اقتصاد مبتنی بر دانش و مدل‌های آموزش معلمان در آسیا و اقیانوسیه، به اندازه کافی مورد انتقاد قرار نمی‌گیرند. بنابر این، نیاز فوری به آموزش مجدد معلمان وجود دارد. با وجود سرمایه‌گذاری و توسعه، مشکلات عمده نابرابری، یادگیری ناقص و ناکافی، سیستم آموزشی ما را تهدید می‌کنند. پیش‌بینی شده است که آموزش معلمان نیاز به فرهنگ‌سازی بیشتری دارد؛ زیرا آموزش و یادگیری بهتر به عنوان فعالیتی فرهنگی شناخته می‌شود که استفاده از دانش بومی برای این کار مهم خواهد بود.

رابرت جیمز اسمیت³ (2008) در مقاله «از تنش به هم‌نوایی: جهانی‌سازی و محلی‌سازی در استرالیا» می‌گوید: جهانی‌سازی از نگاه ما، منافع و الگوهای مصرف را به زمینه‌های گسترده‌تر می‌برد. با این حال، ظهور جهانی‌شدن نیز منافع متفاوتی را در زمینه منطقه‌گرایی و محلی‌سازی، کشف مکان و همچنین تا حدی بازآفرینی جامعه به وجود می‌آورد.

خدیجه بنتی زون و همکاران (2008) نیز در مقاله «چشم‌انداز مالزی از دانش قومی و محلی برای مقابله با تعادل جهانی‌شدن» می‌نویسند: «کشور مالزی به طور کلی سیاستها را اعلام کرده و دانشگاه مالزی⁴ به طور خاص پروژه‌های تحقیقاتی را توسعه داده تا راهبردهای انطباق را به آموزش عمومی به طور کلی و عناصر قومی و محلی به طور خاص منطبق کند. در درازمدت، این به معنای تعادل برخی از اثرات منفی شناخته شده جهانی‌شدن است.»

1. Stanley Hoffmann

2. Jai Sinha

3. Robert James Smith

4. Universty Sains Malaysia

نوذری (1391) در مقاله «مکان اسلامی سازی و بومی سازی برنامه درسی رشته علوم تربیتی» در صدد است تا امکان اسلامی و بومی سازی برنامه درسی مصوب را از طریق بررسی وضع موجود آن و بر پایه دانش تربیتی موجود ارزیابی کند و با طرح سه پرسش و بررسی پاسخ آنها به این نتیجه می رسد که زمینه بازنگری در برنامه و کتابهای درسی تا حدودی فراهم شده، با این تفاوت که این زمینه در عناوین درسی با ماهیت عمومی، تاریخی، فلسفی و نقلی - تفسیری، بیشتر و در عناوین تجربی، تجویزی و روش شناختی، کمتر فراهم شده است.

بررسی اجمالی پیشینه های داخلی و خارجی نشان می دهد که هنوز پژوهشی که به بررسی ضرورتها و چالشهای بومی سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران پردازد، وجود ندارد و فقط مقاله نوذری (1391) تا حدودی به این پژوهش نزدیک است که آن هم محتوای متفاوتی دارد و بیشتر به زمینه های برنامه درسی با ماهیتهای عمومی و تجربی پرداخته است؛ در صورتی که پژوهش حاضر، ضرورتها و چالشهای بومی سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران را کنکاش می کند. بنابر این، انجام چنین پژوهش نوآورانه ای می تواند خلأ موجود در خصوص چنین پژوهشهایی را در ایران پر کند و تا حدودی دست اندرکاران حوزه علوم تربیتی را نسبت به ضرورت بازنگری و نیز چالشهای پیش روی آنها در تحول برنامه درسی علوم تربیتی رهنمون باشد.

د) یافته های پژوهش

1. ضرورت های بومی سازی علوم تربیتی در ایران

همان طور که در بیان مسئله گذشت و مطابق با روش مطرح شده در بخش روش شناسی (تحلیل مفهومی)، برای پاسخگویی به این سؤال که چه ضرورتی برای بومی سازی علوم تربیتی در ایران وجود دارد؛ در این قسمت با توجه به بحثهای مطرح شده در حوزه بومی سازی و برنامه درسی و با نظر به پیشینه پژوهشهای انجام گرفته، می توان چند اصل مهم و ضروری را برای تحول برنامه های درسی علوم تربیتی در ایران به شرح ذیل مطرح کرد:

یک) ضرورت احیای فرهنگ ملی و بومی در برنامه درسی علوم تربیتی در ایران

برنامه درسی نقش مهمی در تحول رشته علوم تربیتی دارد و بایستی بتواند فرهنگ ملی و بومی را احیا کند. ضرورت احیای فرهنگ ملی و بومی در تربیت ایرانی، در واقع به معنای توجه عملی به فرهنگ ملی و بومی است که در آن، بومی سازی علوم انسانی در اولویت قرار می گیرد و این ضرورت، همان فرایندی است که در آن متولیان فرهنگی و علمی کشور با توجه به نگرانی هایی که درباره پذیرش صرف و بسته بندی علوم

296 ♦ بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران؛ ضرورتها و چالشها

انسانی از غرب دارند، با پیرایش عناصر نامطلوب آن و ادغام عناصر مطلوب آن با فرهنگ بومی و مذهبی کشور و استحکام پایه‌های عاریت گرفته شده آن و احیای مجدد آنها و تعدیل اثرات منفی علوم انسانی وارداتی و برجسته‌سازی عناصر بومی در آنها، به حاصل جمعی معقول و مفید از علوم انسانی در کشور دست یابند. پدیده انقلاب اسلامی باعث شد تا «هنگامی که دوره جدید شورای عالی آموزش و پرورش شکل گرفت، اولین بحث آن به انقلاب فرهنگی و تغییر بنیادی نظام آموزشی اختصاص یابد» (کهنادی، 1388: 182). از این رو، می‌توان گفت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران بایستی تارنمایی از معرفی فرهنگ ملی و بومی باشد. «زمانی که از بومی‌سازی برنامه درسی رشته علوم تربیتی بحث می‌شود، باید به همه عناوین درسی با ماهیتهای متفاوت توجه کرد» (نوذری، 1391: 146). استفاده و معرفی چهره‌های ملی و بومی و نیز آشنایی با جنبه‌های غنی در زمینه تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی و همچنین بر ملا ساختن چهره تحول‌آفرینان حوزه علم و دانش و اثرگذاری آنها در شکل‌دهی رشته‌هایی که بعضاً منابع همین دانشمندان ایرانی، ابتدا آبشخور تأسیس چنین رشته و دانشهایی بودند، در ایجاد نگرش بومی و ملی و مطالعه آنها از جانب دانشجویان و متخصصان این رشته تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. بنابر این، «گسترش و عمق بخشیدن به ظرفیتهای فرهنگ ملی - در عرصه جهانی - و مؤلفه‌های فرهنگ بومی - در عرصه داخلی - نیز باید مد نظر قرار گیرد» (سامی، 1395: 2). همچنین برنامه درسی علوم تربیتی در ایران بایستی بتواند فرصت نقد دانش و ارزیابی فرهنگ بومی را در قالب دروسی همچون برنامه درسی و فرهنگ ملی یا فرهنگ ایرانی - اسلامی در قالب دروس و برنامه‌ها، به دانشجویان و تدوین‌کنندگان برنامه درسی علوم تربیتی در ایران ارائه دهد. در این راستا، تشکیل کمیته برنامه درسی بومی و علمی با رویکرد اسلامی و با نگاه به فرهنگ ایرانی راهگشا و سازنده خواهد بود.

دو) ضرورت تقویت سنت، دین و مذهب در بومی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران

علوم انسانی بومی با توجه به آداب و رسوم، فرهنگها، ارزشها و باورهای خاص جامعه شکل می‌گیرد و چون ایران کشوری اسلامی است، به تبع آن، ضرورت تقویت سنت و دین و مذهب در بومی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی پررنگ‌تر می‌شود. اما گاهی مشاهده می‌شود که در «نظام آموزشی ما به عنوان تربیت‌کننده کسانی که در آینده عهده‌دار اجرایی مسئولیتها در کشور می‌شوند؛ هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و برداشت آنان از جهان و انسان، ثمره تفکرات و نظریات دانشمندان غربی است و کمتر اثری از فرهنگ، هویت و ارزشهای اسلامی وجود دارد» (جمشیدی و همکاران، 1394: 466)

«در سالهای اخیر، تحول در برنامه‌های درسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی و بومی، یک دغدغه بوده است. انتقال نگرشها و ارزشهای لیبرالیستی و سکولاریستی، عدم انطباق با نیازهای کشور و به روز نبودن محتوای برنامه‌ها، منشأ اصلی دغدغه‌ها، نگرانی‌ها و تأکید بر ضرورت تحول در برنامه درسی است» (نوذری، 1391: 139). بنابر این، لازم است در برنامه درسی ملی و بومی، سنت اسلامی و مذهبی جایگزین منابع و ارزشهای اومانیستی غربی بشود. این مسئله، ضرورت بازنگری برنامه درسی علوم تربیتی را از حیث تناسب

یا عدم تناسب آن با فرهنگ ملی و اسلامی را می‌طلبد. نخست باید تا حد ممکن از قابلیت‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی در برنامه‌داری و تدوین اهداف برنامه‌داری علوم تربیتی بهره‌برداری و سعی کرد از قالب سنت‌پرستی دیرینه و کهن غربی بیرون آمد؛ زیرا بومی‌سازی به معنای سنت‌پرستی و چسبیدن به پوسته‌های سنتی نیست، بلکه شناخت سنت غنی ایرانی و اسلامی و تأکید بر ظرفیت‌های بالقوه برای به فعلیت رساندن و تقویت نقاط قوت آن مراد است تا به صورت عینی، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای را به تصویر بکشد. «بومی‌سازی از حیث سیاست‌گذاری علمی کشور، مقوله‌ای حیاتی و تشخیص‌نقاط‌ضعف و قوت آن در اجرای فرایند بومی‌سازی در بسیاری از امور مربوطه، راهگشای مسیر صحیح هستند» (برزگر، 1390: 22). لذا کاوش در مفاهیم علم بومی می‌تواند به ارتقای سطح مطالعه در مقوله بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی مدد رساند.

سه) ضرورت به کارگیری فناوری و علوم جدید در برنامه‌داری علوم تربیتی بومی

بدون شک رشته‌های دانش نمی‌توانند خود را از حوزه دانش، جدا بدانند. از این رو، ضرورت دارد برنامه‌داری از نوآوری‌های حوزه‌های مختلف دانش بهره‌مند شود؛ علوم تربیتی و برنامه‌داری هم از این حوزه مستثنا نیست؛ زیرا فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند کمک شایانی به تحولات حوزه علوم تربیتی کند. امروزه استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اجتناب‌ناپذیر است و باعث تشابهات و ادغام فرهنگها می‌شود. «توسعه روزافزون رسانه‌های گروهی و ارائه برنامه‌های متنوع تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها، گسترش رایانه‌های شخصی، آموزش یکسویه اینترنت، زبان انگلیسی، رواج برنامه‌های نرم‌افزاری، امکان دریافت فیلم، موسیقی، کتاب و نشریات توسط شبکه‌های جهانی اطلاعات، همه و همه به افزایش تشابهات فرهنگی کمک کرده‌اند.» (سرفرازی و حمیدی، 1390: 1)

بر همین اساس، نخست باید محتوا را بر بنیاد انسان‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی، ملی و بومی طراحی کرد که بتواند با وجود توجه به دانش نوین در سطح جهانی، منطبق بر شرایط ملی و بومی در فرهنگ ایرانی باشد. استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی برای تولید برنامه‌داری با محتوای الکترونیکی که می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان امکان دریافت و استفاده از محتوای علمی متناسب با فرهنگ ملی و بومی را برای دانشجویان و استادان این رشته فراهم کند. همچنین نقد و بررسی یافته‌های جدید علمی در حوزه علوم تربیتی در سطح جهانی از طریق کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در ایران در شناسایی مبانی علمی دستاوردهای جدید، می‌تواند در جهت اقدام عملی این ضرورت، مؤثر باشند. برای مثال، تولید محتوای الکترونیکی با نگاه بومی و محتوای اسلامی در حوزه زبان انگلیسی و معرفی آنها تا حدودی در کتب درسی یا در برنامه‌داری آموزش زبان، کارساز خواهد بود.

«گر کشورها را به جهت قوت در علوم انسانی تقسیم کنیم، ایران بزرگ‌ترین مقامها را داشته و ما نیز بایستی در پی احیای همان مقام و منزلت باشیم. پس از آن باید به فکر زیرسازی علوم انسانی باشیم و در این راستا به نقد و بومی کردن علوم انسانی همگام با نیازها، شرایط و مقتضیات فرهنگ ایرانی - اسلامی بپردازیم» (اعوانی، 1390: 2). با این حال، نگاهی به محافل علمی کشور بیانگر آن است که اکنون ما در حوزه علوم انسانی و علوم تربیتی، ریزه‌خوار غرب هستیم و پیشرفت در این شاخه از علوم نیز به معنای ترجمه جدیدترین آرا و نظریات فعالان حوزه انسان‌شناسی مغرب‌زمین است. اگر چه ترجمه درست و اقتباس پیشگیرانه یکی از عوامل غنابخشی به علوم تربیتی بومی و ملی است، ولی این ترجمه‌ها که با حجم بسیار بالایی از انواع رسانه‌های بیگانه، فرهنگ بومی را سایه‌وار تعقیب می‌کنند، باید کنترل شوند تا از صدمه زدن به فرهنگ خودی جلوگیری شود. در این راستا، ضرورت به کارگیری فناوری و علوم جدید در تربیت دینی و برنامه درسی علوم تربیتی بومی اهمیت زیادی می‌یابد؛ چنانکه با پیشرفت صنعت الکترونیک در سطح جهانی، بر اهمیت دستیابی آزاد افراد به اطلاعات تأکید بسیاری شده است. لذا جامعه ایرانی برای اینکه از قافله علوم و فناوری جدید عقب نماند، نیازمند تلاش مضاعف در این حوزه است. باید رسالت عظیمی برای علم و تکنیک قائل شد؛ زیرا آشنایی با علوم و فنون و فناوری‌های جدید برای استفاده در برنامه درسی علوم تربیتی بومی، حیاتی است.

چهار) ضرورت تعامل اصالت بومی با نوگرایی در برنامه درسی علوم تربیتی

گنجاندن نیازهای بومی و ملی در تدوین برنامه‌های درسی علوم تربیتی در راستای احیای هویت دینی و ملی اجتناب‌ناپذیر است؛ به ویژه آنکه با نوگرایی همراه باشد. «برون‌رفت از معضلات و مشکلات کنونی در ساختارهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران، نه ستیز با سنت و طرد آن، بلکه در بازنگری در سنت و بازیابی آن متناسب با شرایط نوین است» (عباسی، 1394: 54). نوگرایی و بومی‌گرایی رابطه‌ای متقابل و متضاد ندارند، بلکه مکمل یکدیگرند؛ از این رو، تعامل اصالت بومی و دینی با نوگرایی امری لازم و ضرورتی انکارناپذیر است. «آزاداندیشی و شجاعت علمی، در کنار تعهد به ارزشهای اسلامی و آرمانی و اقدام به برنامه‌ریزی در سطح کلان در آموزش و پرورش، از جمله لوازم تحقق بخشیدن به هدف مذکور و حل مشکلات فراروی بومی‌سازی علوم انسانی است» (پوریانی، 1391: 9). «طرفداران بومی‌سازی علوم انسانی، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی این علوم را به معنای پشت کردن به علوم غربی و چشم بستن بر تجربه انسانی غرب که طی پنج قرن تلاش آنها در این حوزه بوده، نمی‌دانند.» (چذری، بی‌تا)

بر اساس آنچه گفته شد، تعامل اصالت بومی با نوگرایی در برنامه درسی علوم تربیتی در ایران یک ضرورت اساسی است؛ زیرا تغییرات جهانی و به خصوص نوگرایی، باعث تغییر در بسیاری از امور زندگی آدمی می‌شود و برنامه علوم تربیتی نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین، هر نوع نظریه نوینی در حوزه‌های علوم انسانی و علوم تربیتی باید در بوته نقد و بررسی قرار گیرد. هم‌اندیشی استادان و دانشجویان متعهد به

اسلام و ارزشهای ملی و میهنی و برگزاری کرسی‌های نقد و آزاداندیشی و تحلیل بی‌طرفانه و معرفی نظریه‌های جایگزین بومی و ملی اصیل در این راستا با توجه به بنیانهای ارزشی جامعه اسلامی، زمینه تحقیق چنین ضرورتی را فراهم خواهد ساخت.

2. چالشها، محدودیتها و موانع بومی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران

بومی‌سازی فرایندی مهم، اصیل و البته پرچالش است که از عالمان تمدنهای دیروز آغاز شده و همچنان ادامه دارد. این چالشها اهمیت بومی‌سازی علوم انسانی و تربیتی را بیش از پیش نمایان می‌سازند؛ موضوعی که موافقان و مخالفان را با خود همراه ساخته و هر کدام در رد یا تأیید بومی‌سازی استدلالهای خود را ارائه می‌دهند که در اینجا مجال طرح آن نیست، اما می‌توان بومی‌سازی علوم را «نوعی پایش سرزمینی، جغرافیایی و فرهنگی خاص ایران دانست. یادآوری این نکته سودمند می‌نماید که فرایند بومی‌سازی علوم نباید با ماهیت علم در تعارض و چالش باشد و دچار روندی واژگونه و تصنعی گردد» (پوریانی، 1391: 4).

با توجه به بیان ضرورت‌های تحول در برنامه درسی علوم تربیتی بومی و نیز لزوم بومی شدن برنامه درسی علوم تربیتی در ایران با وجود مشکلاتی که در این راه وجود دارد، در ادامه به مهم‌ترین چالشهای بومی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران اشاره و تلاش می‌شود برای رفع چالشهای موجود، راهکارهایی نیز به طور مختصر ارائه شود.

یک) تقابل فرهنگ اسلامی ایرانی با فرهنگ غربی

این تقابل آنگاه چهره واقعی خود را نمایان می‌سازد که یکی از فرهنگها بخواهد بر دیگری تسلط یابد و به صورت آشکار و پنهان، ارزشها و آرمانهای فرهنگ مقابل را عاملدانه مورد حمله قرار دهد. «جلال آل احمد را می‌توان به لحاظ گستره و میزان تأثیرگذاری، مهم‌ترین منتقد غرب‌گرایی در میان روشنفکران ایرانی دهه 40 و 50 معرفی کرد. آل احمد جزو نخستین اندیشمندان دوره پسا استعمارگرایی بود که در رویارویی بین غرب و شرق، توجه فزاینده‌ای به مسائل فرهنگی نشان می‌دادند. او با آثار گوناگون خود از جمله کتاب معروف غربزدگی که در سال 1341 منتشر شد، به دفاع از هویت شرقی-بومی در برابر غرب استعماری پرداخت. با لحاظ کردن اهمیت بومی‌سازی و احیای ارزشهای بدیل در برابر ارزشهای تحمیلی و تحلیل چنین رویکردی در ذهنیت متفکران ایرانی، امثال آل احمد می‌تواند آثار مثبتی داشته باشد» (فرزندی و نوربان دهمکردی، 1389: 152).

هر جامعه‌ای با فرهنگ و آیین خاص خود، نیازمندی‌های ویژه‌ای دارد و در خصوصیات بومی ویژه به سر می‌برد که به دلیل وجود همین خصوصیتها، در برخی نیازمندی‌ها، متمایز و متفاوت از سایر ملل است. از این رو، غرب نیز اگرچه دارای فرهنگ غنی خاص خود است و گاهی می‌توان از بعضی نقاط قوت آن بهره‌مند شد، ولی چالش وقتی ایجاد می‌شود که غرب بخواهد همه اخلاق، دین و مکتب ما را مورد تاخت

300 ♦ بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران: ضرورتها و چالشها

و تاز خود قرار دهد و برج و باروی ما را در هم شکنند. برای رفع این موانع و چالشها، «پدیده‌های انسانی می‌بایست در بطن هر جامعه و با فرهنگ خاص آن و با عنایت به شرایط بومی و نژادی هر اقلیم مورد مطالعه قرار گیرد؛ چون رشته‌های علوم انسانی به خصوص در حیطه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و تعلیم و تربیت، عمدتاً برخاسته از فلسفه، مفاهیم و نظریات پژوهشگران غربی و شرقی است» (اخوی راد، 1388: 25). بنابر این، ضمن احترام به فرهنگهای دیگر، نباید فرهنگ بومی و ملی در برنامه‌های درسی علوم تربیتی کم‌رنگ شود. تدوین کتابهایی با عنوان جامعه‌شناسی اسلامی، مردم‌شناسی اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی، حداقل می‌تواند بخشی از محتوای برنامه درسی ملی و بومی و متناسب با ارزشهای اسلامی خلأ موجود در این خصوص را پر کند.

دو) فقدان دانش اسلامی پایه در برخی اساتید علوم تربیتی ایران

با توجه به اینکه جامعه ما از فرهنگ اسلامی و بومی برخوردار است، عدم هماهنگی تفکر برخی اساتید با شرایط موجود، عموماً منجر به چالش می‌شود. این گروه از اساتید و معلمان حوزه علوم تربیتی با وجود پایبندی به همه شئون و اخلاق اسلامی، اما فاقد دانش پایه در این حوزه‌اند و این یکی از چالشهای بومی‌سازی علوم تربیتی است. دامنه این چالش آنگاه گسترش می‌یابد که گاهی سهواً یا عمدانه به علت فقدان دانش پایه اسلامی، پیشرفت غرب را بر همه شئون بومی و ملی خود برتر می‌دانند. اگرچه در برخی امورات، غرب بر شرق برتری یافته است، اما راه حل، عدم توجه به سنت و فرهنگ و ملیت بومی نیست، بلکه باید نسبت به این عقب‌ماندگی‌ها احساس مسئولیت داشت و برای پیشرفت و ارتقای سطح علمی کشور اقدامات عملی را به کار گرفت.

به دلیل فقدان دانش اسلامی پایه در برخی اساتید و معلمان علوم تربیتی، «بومی‌سازی علوم انسانی با موانع و مشکلاتی مواجه است و نخستین مانع در این راستا، غلبه تقلیدگرایی است. این نگاه باعث شده است که برخی بدون توجه به اقتضانات فرهنگی علوم انسانی غربی، اقدام به رواج آن در کشور نمایند» (بوربانی، 1391: 7). بنابر این، عدم علاقه برخی اساتید به بحث بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی بومی و ملی، باعث روی‌آوری آنان به ترجمه آثار غربی شده است. لذا به منظور دستیابی به برنامه درسی علوم تربیتی بومی و مطلوب، باید با دوری از تقلید، نظریه‌ها و روشهای علوم انسانی و علوم تربیتی را در محیطهای فرهنگی و دانشگاهی نقد کرد که این امر می‌تواند منجر به بهبود دانش پایه اسلامی اساتید، معلمان و دانشجویان حوزه علوم تربیتی شود. مقام معظم رهبری در خصوص نقش اساتید در دانشگاهها می‌فرماید: «اساتید در ایجاد و تقویت هویت ایرانی و اسلامی در دانشجویان، با بیان پیشرفتهای کشور در عرصه‌های مختلف، می‌توانند احساس هویت را در دانشجویان به وجود آورند» (خانه‌ای، 1395). از دیگر راهکارهای رفع این موانع، استفاده از ترجمه‌های متفکران حوزه اسلامی و منابع دانشمندی است که از نظر سنت و فرهنگ، تشابه بسیاری با جامعه اسلامی ما دارند. همچنین استفاده از فرصتهای مطالعاتی و ایجاد ارتباطات در سطح

301 **◆** ابراهیم خسروی و همکاران

بین‌المللی با کشورهای اسلامی و گذراندن فرصتهای مطالعاتی استادان و نیز ایجاد فرصتهای گردش علمی برای دانشجویان این رشته، از پیشرفتهای علمی و بومی در کشورهایی همچون هند و مالزی و شناسایی برنامه‌های بومی‌سازی آنها و به کارگیری تجربیات آموزش معلمان آنها برای بومی‌گرایی (سینها، 2000؛ بتی زون و همکاران، 2008) بسیار مؤثر خواهد بود.

سه) نبود برنامه‌های درسی بومی برای علوم تربیتی در ایران

یکی دیگر از چالشها و موانع بومی‌سازی برنامه‌ی درسی علوم تربیتی در ایران، نبود برنامه‌های درسی بومی در حوزه‌ی علوم تربیتی است. منظور از نبود برنامه‌های درسی بومی، وجود نقایص، ضعفها، کمبودها و شعارزدگی در حوزه‌ی بومی‌سازی علوم تربیتی است که خود برنامه‌ریزان و مجریان به آن اذعان کرده‌اند. گرچه علوم تربیتی در ایران در بحث برنامه‌های بومی، از کمبودهایی رنج می‌برد، ولی نباید همه‌ی مشکلات ناشی از آن به قوانین علمی کشور نسبت داده شود و مجریان و روشنفکران را تبرئه کرد. حتی گاهی ضعف برنامه‌ی درسی علوم تربیتی را با اغراض شخصی و سیاسی آلوده می‌کنند و این نقایص را به پای اسلامی‌سازی و بومی‌سازی می‌گذارند. «پس از تصویب برنامه‌ی درسی رشته‌ی علوم تربیتی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا که در فاصله‌ی سالهای 72-1368 اتفاق افتاد، ضروری بود که شورای عالی برنامه‌ریزی، راهکارهایی را برای اصلاح برنامه‌ی پیش‌بینی می‌کرد و همگام با تولید علم و پیدایش ظرفیت علمی برای تغییر برنامه‌ی درسی، برنامه‌ها را اصلاح می‌کرد. نه تنها این ضرورت رخ نداد، بلکه حتی نوعی تزلزل در تصمیم‌گیری‌ها در دوره‌های مختلف در وزارتخانه مشاهده می‌شود. گاهی اختیارات اصلاح برنامه به دانشگاهها واگذار می‌شود و گاهی این اختیارات از آنها سلب می‌شود» (نوذری، 1391: 162)

در بررسی نقاط ضعف و قوت برنامه‌ی درسی مصوب رشته‌ی علوم تربیتی و کتابهای درسی تألیفی که در حال حاضر در دانشگاهها تدریس می‌شوند و بر مبنای سرفصلهای مصوب تدوین شده‌اند، فقدان جهت‌گیری اسلامی و بومی در محتوای سرفصلها و کتابها قابل مشاهده است. گاهی به علت نبود برنامه‌های درسی بومی برای علوم تربیتی و علوم انسانی، با اقدامات ضربتی و غیر مدبرانه مسیر آن به بیراهه کشیده می‌شود. بنابر این، تغییرات، بازنگری، هم‌اندیشی و نقد عالمان حوزه‌ی علوم انسانی می‌تواند گامی مؤثر در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی برنامه‌ی درسی علوم تربیتی باشد.

چهار) عدم حمایت برخی روشنفکران ایرانی از برنامه‌ی درسی بومی علوم تربیتی

برای ایجاد هر نوع تغییر و ارتقای شرایط جامعه به وضعیت مطلوب‌تر، نقش روشنفکران، به ویژه تحصیل‌کردگان و دانشگاهیان بسیار ضروری است؛ جلب حمایت آنان می‌تواند منجر به موفقیت در زمینه‌ی مدنظر باشد. از این منظر، یکی دیگر از چالشهای پیش روی بومی‌سازی علوم تربیتی در کشور، عدم علاقه‌ی برخی روشنفکران ایرانی به حوزه‌ی بومی‌سازی علوم تربیتی است. این افراد با اهمیت و ضرورتهای علوم

302 ♦ بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران؛ ضرورت‌ها و چالش‌ها

تربیتی بومی‌آشنایی ندارند و ممکن است از آن حمایت نکنند. در نتیجه، مخاطبان را با خود همراه می‌کنند و ارتقای علوم تربیتی بومی حاصل نمی‌شود. برخی روشنفکران گاهی به عمد یا اشتباه به سوی آداب و رسوم خودی و بومی نشانه می‌روند و فرهنگ و تمدن ملی را کتمان کرده، دچار از خود بیگانگی می‌شوند؛ در حالی که «روشنفکری، هوشیاری است و داشتن دو چشم باز و بینا در برابر واقعیات و در نخستین قدم، شناخت دقیق و راستین تاریخ و فرهنگ خویش است.» (شریعی، 1390: 15)

نکته دیگر اینکه «در واردات علوم انسانی، بر خلاف علوم طبیعی، باید علاوه بر ترجمه، اقدامات تکمیلی و اقتباس نقادانه و گزینشی داشت و به صورت مختلف در آنها دخل و تصرف کرد تا بتوان متناسب با مقتضیات بومی از آنها بهره‌برداری نمود و آنها را به فناوری ایرانی تبدیل کرد» (برزگر، 1390: 21). علوم تربیتی بومی نیازمند توجه روشنفکران و هماهنگی نهادها و سازمانهای دولتی و مردمی است. لذا رفع کمبود نهادهای پژوهشی و آموزشی، توجه به مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و جلب حمایت اندیشمندان می‌تواند گامی اساسی برای بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران باشد. یک راهکار این است که کمیته‌ای مرکب از استادان علاقه‌مند و متعهد در حوزه علوم تربیتی با عنوان «کمیته علوم تربیتی اسلامی و بومی» تشکیل شود و رسماً در جهت تولید و ارزیابی محتوی علوم تربیتی و بازآموزی استادان این حوزه نقش مؤثر ایفا کند. همچنین می‌توان از طریق انجمنهای علمی در دانشگاهها و مراکز آموزشی، سیمناها و کنفرانس‌هایی با عناوینی همچون: اسلامی‌سازی علوم تربیتی و بومی‌سازی برنامه علوم تربیتی ایران، توجه استادان و روشنفکران را نسبت به حمایت از تولیدات علمی جلب کرد.

پنج) حجم زیاد ترجمه‌ها به جای اقتباس در علوم تربیتی بومی

یکی دیگر از چالشهای بومی‌سازی علوم انسانی به طور عام و علوم تربیتی به طور خاص، گرایش به ترجمه به جای تولید دانش بومی و ملی است که نظام آموزشی و تعلیم و تربیت را به حالت رکود سوق می‌دهد و اندیشمندان حوزه علوم تربیتی را به ترجمه متون علوم انسانی غربی تشویق می‌کند و در نتیجه می‌طلبد در این زمینه فکری اساسی کرد و طرحی نو درانداخت. لذا «اگر ملتی بر روی پایه‌های نهادی وجود خود ایستاده باشد و در حال خودآگاهی و آزادی و بر اساس احساس نیاز و پسند خود، به اقتباس و انتخاب این عناصر از خارج پردازد، بی‌شک به رشد حقیقت و شکوفایی فرهنگی و گسترش وجودی خود پرداخته است.» (شریعی، 1394: 212)

نکته حائز اهمیت این است که منظور از بومی‌سازی، به هیچ وجه تنزل سطح علوم تربیتی از حیث تولید و دامنه شمول آن به مسائل محلی، بومی و منطقه‌ای نیست، بلکه توجه به واقعیت‌های عینی جامعه؛ یعنی توجه به آداب و رسوم، فرهنگ، ارزشها و باورهای خاص جامعه بومی و محلی است. بومی‌سازی نیازمند احتیاط در جذب علوم اجتماعی و انسانی مغرب‌زمین است. نقد و بررسی و تحلیلهای مربوطه نشان می‌دهد که این

پروژه به معنای پشت پا زدن به میراث غنی مغرب‌زمین در این حوزه نیست، بلکه به این معناست که در واردات این دسته از معرفت، بر خلاف علوم طبیعی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن، علاوه بر ترجمه، باید اقدامات تکمیلی و اقتباس نقادانه و گزینشی داشت تا بتوان متناسب با مقتضیات بومی از آنها بهره‌مند شد (برزگر، 1390: 22). لذا توصیه آن است که به جای ترجمه‌های فراوان و سرازیر شدن نوشته‌ها، کتب و مقالات خارجی، باید به تولید علوم تربیتی بومی و ملی پرداخت.

در همین راستا، متناسب با پیشنهاد راهکار مذکور در ضرورت قبلی، کمیته اسلامی‌سازی و بومی‌سازی علوم تربیتی می‌تواند همانند برخی نهادهای آموزشی و پژوهشی دیگر، سه مسئولیت خطیر را بر عهده بگیرد: نخست، تدوین منابع متناسب با رشته علوم تربیتی بومی در ایران؛ همچون: برنامه‌ریزی درسی اسلامی فلسفه تربیت اسلامی، هستی‌شناسی اسلامی، روان‌شناسی اسلامی و... که به جای منابع غربی و اقتباس‌شده قرار گیرد. دوم، تولید محتوای الکترونیکی؛ همچون: فیلم و منابع الکترونیکی در حوزه‌های مختلف به ویژه در زمینه زبان بیگانه که ممکن است در لابه‌لای متون بیگانه انبوهی از ارزشهای ضد دینی بر دانشجویان و تفکر استادان دانشگاه سایه افکنی کنند و منجر به سکولاریسم آنها شوند. سوم، رصد کردن منابع فعلی و برگزاری کرسی‌های نقد و مناظره در حوزه نظریه‌های قبلی یا نظریه‌سازی بومی در حوزه علوم تربیتی.

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بیان نحل‌های مختلف و تفکیک مفاهیم مربوط به گفتمان بومی علوم تربیتی، ضرورتها و چالشهای موجود استخراج و بررسی شد. ضرورتهای بومی‌سازی برنامه علوم تربیتی در ایران عبارت بودند از: ضرورت احیای فرهنگ ملی و بومی در برنامه درسی علوم تربیتی؛ تقویت سنت، دین و مذهب در بومی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی؛ به کارگیری فناوری و علوم جدید در برنامه درسی علوم تربیتی بومی؛ ضرورت تعامل اصالت بومی با نوگرایی در برنامه درسی علوم تربیتی. با توجه به ضرورتهای مطرح‌شده، چند چالش و مانع نیز شناسایی و در پایان هر یک پیشنهادهایی مطرح شد که چالشها عبارت بودند از: تقابل فرهنگ اسلامی ایرانی با فرهنگ غربی؛ فقدان دانش اسلامی پایه در اساتید علوم تربیتی؛ نبود برنامه‌های درسی بومی برای علوم تربیتی؛ عدم حمایت برخی روشنفکران ایرانی از بومی‌سازی علوم تربیتی؛ حجم زیاد ترجمه‌ها به جای اقتباس در علوم تربیتی بومی.

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، نخست تبیین‌کننده پاسخ به این سؤال بود که اولاً، بومی‌سازی برنامه علوم تربیتی در ایران لازم و ضروری است، اما موانعی در این راه وجود دارد که باید برطرف شود. یافته‌های این مقاله هم‌راستا با نتایج پژوهش بنتی زون و همکاران (2008) است؛ زیرا اگر در مالزی برنامه‌هایی برای انطباق با نیازهای محلی و بومی صورت گرفته، این ضرورت و تحول در ایران هم لازم و ضروری

304 ♦ بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران؛ ضرورتها و چالشها

است. نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش سینها (2000) نیز همسو است و ضرورت بازآموزی اساتید و برنامه‌های درسی این رشته را با فرهنگ بومی و ملی و ایرانی اسلامی ایجاب می‌کند. بعلاوه چالشهای مطرح شده در مقاله حاضر میباید ادعای ساداتی‌نژاد (1392) است و مهم‌ترین چالش بومی‌سازی برنامه درسی ایران را نبود برنامه‌های درسی مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی و استوار بودن برخی منابع این رشته بر اومانیزم غربی و نیز فقدان دانش پایه اساتید این رشته در ایران می‌داند. در نهایت اینکه، نتایج حاصل بیانگر توجه به شناخت ظرفیتهای ملی و محلی است و به کارگیری خلاقیت‌های متخصصان بومی، ملی، ایرانی و اسلامی را برای پیشبرد اهداف و برنامه بومی‌سازی علوم تربیتی ضروری دانسته، که به نوعی اثبات‌کننده نتیجه سخن باقری (1386) است.

در پایان باید گفت که بومی‌سازی فرایندی پویاست که در آن، شرایط فرهنگی، اجتماعی، دینی، زبانی، تاریخی و اقتصادی جامعه محلی و منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود و باید با مقتضیات زمانی و مکانی و ضرورتها و نیازهای آن جامعه هماهنگ بوده، از مزایای علوم، فرهنگ و تمدن جهانی هم برخوردار باشد. مسئله بومی‌سازی علوم تربیتی به عنوان دغدغه‌ای که سرنوشت جامعه به کارایی و اثربخشی آن گره خورده، باید بر اساس شناخت انسان و محیط پیرامونی او، به ویژه انسان‌شناسی اسلامی و هستی‌شناسی اسلامی، به عنوان امری مهم توسط متفکران و اندیشمندان حوزه علوم تربیتی بررسی شود.

نتایج مقاله حاضر می‌تواند تکمیل‌کننده پژوهش نودری (1391) باشد که بیشتر با نگاه اسلامی و با ماهیتهای عمومی و تجربی به موضوع پرداخته است و آخر اینکه، کشور ایران و فلسفه علوم تربیتی و برنامه درسی این رشته بایستی وحی و تعالیم حیاتی را اساس کار خود قرار دهد؛ چیزی که مورد تأکید مصباح یزدی (قریشی‌نسب، 1391) و مبین جهان‌بینی اسلامی است. به طور کلی نقد و بررسی ضرورتها و تحلیل جامع چالشهای بومی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی نشان داد که با دوری از هر گونه افراط و تفریط در دانش بومی و دانش جهانی، می‌توان در مواجهه با فرصتها و چالشهای پیش رو، تصمیمات بهتر و مؤثرتری اتخاذ کرد.



منابع

- اخوی راد، بتول (1388). «بررسی شیوه‌های بومی‌سازی علوم انسانی و تأثیر آن بر آموزش عالی». مهندسی فرهنگی؛ سال چهارم، ش 35-36.
- ابراهیم زاده، عیسی؛ فراهانی، ابوالفضل و سرمدی، محمد رضا (1385) چگونه تحقیق کنیم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- اعوانی، غلامرضا (1390). «منظور از بومی‌سازی علوم انسانی، تعطیل کردن آن نیست». پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News>
- باقری، خسرو (1386). «گزارش همایش سالانه انجمن جامعه‌شناسی ایران». قابل دسترس در: <http://www.isa.org.ir>
- باقری، خسرو (1374). تگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو و همکاران (1389). رویکردها و روشهای پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برزگر، ابراهیم (1390). «رهیافت بومی‌سازی علوم انسانی». قابل دسترس در: <http://korsi.farhangelm.ir/Products/Other/Article>
- پوریانی، حسین (1391). «آسیب‌شناسی بومی‌سازی علوم انسانی». قابل دسترس در: <http://rasekhoon.net/article/show>
- جمشیدی، محمدحسین و همکاران (1394). نظریه پردازی و اسلامی سازی نظریه های علوم انسانی. نشریه فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال نوزدهم، شماره چهار.
- چیدری، زهرا (بی تا). «بومی‌سازی علوم چگونه تعریف می‌شود؟». گروه فرهنگی - اجتماعی برهان: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News>
- خامنه‌ای، سید علی (1395/3/29). «بیانات در دیدار استادان دانشگاهها». قابل دسترس در: <http://www.mizanonline.com/fa/news/187465h>
- ساداتی‌نژاد، سید مهدی (1392). «بومی‌سازی علوم انسانی و ضرورت بازبینی مبانی انسان‌شناسی». پژوهشهای سیاست اسلامی، سال اول، ش 1: 36-5.
- سالمی، داود (1395). ضرورت بومی سازی برنامه های فرهنگی؛ قابل دسترس در سایت: <http://shooshan.ir/fa/news/>
- ستایش، محمدرضا (1392). «نقدی بر مقاله علی پایا؛ نتایج نامطلوب گفت‌وگوهای علوم انسانی بومی / دینی». قابل دسترس در: <http://falsafevadin.blogfa.com/post>
- سرفرازی، مهرزاد و همایون حمیدی (1390). «جهانی شدن و مدیریت منابع انسانی». مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، سال دوم، ش 2: 40-1.

306 ♦ بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران؛ ضرورتها و چالشها

- شریعتی، علی (1394). بازشناسی هویت ایرانی اسلامی (مجموعه آثار: 27). تهران: نشر الکترونیکی وبسایت دکتر علی شریعتی.
- شکوهی، غلامحسین (1383). مبانی و اصول آموزش و پرورش؛ تهران: به نشر.
- شریعتی، علی (1390). بازگشت به خویشتن. تهران: نشر الکترونیکی وبسایت دکتر علی شریعتی.
- عباسی، ابراهیم (1394). «اجتماع‌گرایی به مثابه روش تحلیل: تلاشی برای بومی‌نگری در علوم اجتماعی». *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره هفتم، ش 2: 23-56.
- علی‌اصغری صدری، علی و سید جواد میری (1391). «علی شریعتی و بومی‌سازی علوم». *علم و دین*، سال سوم، ش 2: 95-117.
- فرزانه‌پور، حسین (1387). «امکان بومی‌سازی علوم انسانی و رشته‌های آن با تأکید بر علوم سیاسی (چالشها و راهکارها)». *کنگره علوم انسانی*.
- فریثی‌نسب، سید طه (1391). «روند اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر علامه مصباح یزدی». قابل دسترس در: <http://www.598.ir/fa/>
- قزلسفلی، محمدتقی و نگین نوریان دهکردی (1389). «نقد بومی‌گرایی در اندیشه جلال آل احمد». *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا*، ش 4: 151-182.
- کهندانی، مصطفی (1388). *تاریخ تطور و تحول در شورای عالی آموزش و پرورش*. تهران: نورالثقلین.
- لطیفی، علی؛ حمید پارسانیا و محمد داودی (1393). «بررسی روش‌شناسی دانش تربیت اسلامی، بر اساس رویکرد اسلامی‌سازی معرفت». *تربیت اسلامی*، سال نهم، ش 18: 153-175.
- مرندی، محمدرضا (بی تا). *ضرورت بومی‌سازی علوم انسانی؛ سایت: <http://www.iribresearch.ir/viewnews>*
- نقیب‌زاده، احمد و محمدباقر خرمشاد (مصاحبه) (1395). «بومی‌سازی علوم انسانی جریانی جهانی است»/ کسی نمی‌خواهد مانع نوشتن و نظریه‌پردازی شود. قابل دسترس در: <http://qudsonline.ir/news>
- نوذری، محمود (1391). «امکان اسلامی‌سازی و بومی‌سازی برنامه‌دستی رشته علوم تربیتی». *راهبرد فرهنگ*، ش 19: 139-168.
- هافمن، استانی (2002). «مهار جهانی‌شدن: چالشی پیش روی نهضت بومی‌سازی». ترجمه مهرزاد بروجردی. قابل دسترس در: <http://mehrzadboroujerdi.com>
- Binti-Zon, Khadijah; Sharifah A.H. Norhaid, A.H. Binti-Syed- Idros & Aswati Hamzah (2008). "A Malaysain Perspective of Ethnic & Indigenous Knowledge". *The 8th Annual Conference of the Iranian Curriculum Studies Association (ICSA)*. October 29-30. The University of Mazandaran - Faculty of Humanities & Social Sciences, Babolsar, Mazandaran, Islamic Republic of IRAN. (Sub-theme: Globalization, the National Curriculum & National Identity)

- Chateau, Jean (2005). **Les Grans Pedagogues**. Translated by Dr. Gh. H. Shokohi. University of Tehran Publication. No:1543. ISBN 964-03-5088-5
- Sinha, Jai B.P. (2000). "**Towards Indigenization of Psychology in India**". *Psychological Studies*, 45(1-2): 3-13.
- Smith, J. Robert (2008). "**From Tension Resonance: Globalization and Localism In Australain**". *The 8th Annual Conference of the Iranian Curriculum Studies Association (ICSA)*. October 29-30. The University of Mazandaran - Faculty of Humanities & Social Sciences, Babolsar, Mazandaran, Islamic Republic of IRAN. (Sub-theme: Globalization, the National Curriculum & National Identity)
- Aavani, Gholamreza (2011). "**The Localization of the Humanities is Not Meant to Shut it Down**". Available in: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News>
- Abbasi, Abraham (2015). "**Socialism as a Method of Analysis: An Attempt to Indigenize the Social Sciences**". *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, Vol. 2: 23-56.
- Akhavi Rad, Batol (2009). "**Investigating the Localization of Humanities and its Impact on Higher Education**". *Journal of Cultural Engineering*, Fourth Year, No. 35-36.
- Ali Asghari Sadri, Ali & Seyed Javad Miri (2012). "**Ali Shariati and Localization of Science**". *Journal of Science and Technology*; Third Year, No 2: 95-117.
- Bagheri, Khosrow (1995). **A Look at Islamic Education**. Tehran: School Publications.
- Bagheri, Khosrow (2007). "**Report of the Annual Conference of the Iranian Sociological Association**". Available in : <http://www.isa.org.ir>
- Bagheri, Khosrow & et al. (2010). **Research Approaches and Methods in Philosophy of Education**. Tehran: Publications Institute for Cultural and Social Studies.
- Barzegar, Abraham (2011). "**The Humanization Approach to Localization**". Available in: <http://korsi.farhangoeim.ir/Products/Other/Article>
- Chizari, Zahra (Bita). "**How is the Localization of Sciences Defined?**". Available in: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News>
- Farzanehpour, Hossein (2008). "**The Possibility of Localizing the Humanities and Its Disciplines with Emphasis on Political Science (Challenges and Solutions)**". *Humanities Congress*.
- Ghezelsfoli, Mohammad Taghi & Negin Nourian Dehkordi (2010). "**Criticism of Localism in the Thought of Jalal Al-Ahmad**". *Political and International Research Quarterly, Islamic Azad University of Shahreza*, Vol 4: 151-182.

- Hoffman, Stanley (2002). "**Curbing Globalization: A Challenge to the Localization Movement**". Translation by Mehrzad Boroujerdi. Available in: <http://mehrzadboroujerdi.com>
- Khamenei, Seyed Ali (2016). "**Lecture to meet with University Professors (29/3/1395)**". Available in: <https://www.mizanonline.com/en/news/187465/>
- Kohandani, Mustafa (2009). **A History of Evolution at the Higher Education Council**. Tehran, Nour-al-Zaghlini Publications.
- Latifi, Ali; Hamid Parsania & Mohammad Davoodi (2014). "**A Study of the Methodology of Islamic Education Knowledge, Based on the Islamicization of Knowledge Approach**". *Two Quarterly Journal of Islamic Education*, Vol. 9, No. 18: 153-175.
- Naqibzadeh, Ahmad & Mohammad Bagher Khorramshad (Interview) (2016). "**Localization of the Humanities is a Global Trend**" / *No One Wants to Stop Writing and Theorizing*. Available in: <http://qudsonline.ir/news>
- Nozari, Mahmood (2012). "**The Possibility of Islamization and Localization of Educational Science Curriculum**". *Journal of Culture Strategy*, No 19: 139-168.
- Pouriani, Hossein (2012). "**The Pathology of Humanization Localization**". Available in: <http://rasekhoon.net/article/show>
- Qureshi Nasab, Sayed Taha (2012). "**The Process of Islamization of the Humanities from the Perspective of Allameh Mesbahizadi**". Available in: <http://www.598.ir/en/>
- Sadatinejad, Seyyed Mehdi (2013). "**The Humanization of the Humanities and the Necessity of Reviewing the Foundations of Anthropology**". *Journal of Islamic Policy Research*, Frist year, No 1: 5-36.
- Sarafrazi, Mehrzad & Homayoun Hamidi (2011). "**Globalization and Human Resource Management**". *Quarterly National Journal of Globalization Studies*, Vol. 2: 1-40.
- Setayesh, Mohammad Reza (2013). "**Criticism of Ali Paya's Article; Undesirable Results of Native / Religious Humanities Discourse**". Available in: <http://falsafevadin.blogfa.com/post>
- Shariati, Ali (2011). **Back to Self**. Tehran: Dr Ali Shariati Electronic Publishing Website.
- Shariati, Ali (2015). **Recognizing Islamic Iranian Identity** (Collection of Works 27). Tehran: Electronic publication of Dr. Ali Shariati.

